

A Study of the Necessity of Covering Incidental Expenses of Mudarabah and Determining Its Source with Emphasis on Ayatollah Khamenei's Fiqhi Thoughts

Ahmad Mortazi*

Associate Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Law at Tabriz University

Roqayeh Ghasemi

Senior expert in jurisprudence and private law of Tabriz University

Abstract

The interpretation of the Holy Quran is one of the most important scholarly activities of. With respect to the expenses of mudarab's business trip, there are various opinions: 1) The necessity of covering all expenses; 2) The necessity of covering expenses in excess of those incurred at domicile; and 3) The lack of necessity to cover any expenses. The first opinion is supported by the generality of the mudarabah contract, the sahih hadith of Ali ibn Ja'far, and the agent's status as an employee for the owner. The second opinion is supported by the owner's entitlement to the profit, consensus, and the third opinion is supported by the lack of difference between expenses incurred at home and on a trip, and to prevent encroachment on the property of others. After a detailed explanation of the opinions and a critical examination of the arguments, the correctness of the first opinion, which Ayatollah Khamenei also endorses, is concluded. Regarding the source of funding for the expenses, three viewpoints are observed: 1) The principal capital, even if a profit is made; 2) The profit generated; and 3) The principal capital if no profit is made. Research shows that the arguments for funding expenses from the profit or the principal capital are not logical. It is more reasonable, given evidence such as the principle of not making the provision of expenses contingent on profit, the restriction of deficiency to profit, customary understanding, and the sahih hadith of Ali ibn Ja'far, that if a profit is made, the travel expenses should be covered from the profit. If no profit is made, it seems correct to cover the expenses from the principal capital.

Keywords: ۲۲

* Email: a.mortazi@tabrizu.ac.ir (Corresponding Author)

بررسی نظریه ضرورت تأمین هزینه‌های جانبی مضاربه و تعیین محل و مصادیق آن با تأکید بر اندیشه‌های فقهی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

| احمد مرتضی *^۱ |

| رقیه قاسمی^۲ |

چکیده

در خصوص مخارج سفر تجاری مضاربه، اقوال مختلفی یافت می‌شود؛ از جمله: (۱) لزوم تأمین تمام مخارج (۲) لزوم تأمین مخارج مازاد حضر (۳) عدم لزوم تأمین مخارج. برای ضرورت تأمین تمام نفقه سفر مضاربه به اطلاق عقد مضاربه، صحیح‌ه علی بن جعفر و اجیر بودن عامل برای مالک و برای قول دوم به تعلق ربح به مالک و اجماع و برای قول سوم نیز به عدم فرق بین نفقه حضر و سفر و جلوگیری از تصرف در مال غیر، استدلال شده که پس از بیان تفصیلی اقوال و بررسی نقادانه ادله، درستی قول نخست که آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر آن رأی هستند، نتیجه گردید. نسبت به محل تأمین مخارج نیز سه دیدگاه دیده می‌شود: (۱) اصل سرمایه حتی با وجود کسب سود؛ (۲) سود حاصله؛ (۳) اصل سرمایه در صورت عدم حصول سود. تحقیقات نشان می‌دهد استدلال نظریه‌هایی که به تأمین نفقه از محل سود یا اصل سرمایه رأی داده‌اند منطقی نیست و حق آن است که با عنایت به ادله‌ای مانند اصل عدم توقف تأمین نفقه به حصول سود، انصراف نقص به سود، ارتکاز عرفی و صحیح‌ه علی بن جعفر؛ در صورت کسب سود، هزینه سفر از محل سود تأمین شود و در صورت عدم حصول سود، تأمین نفقه از اصل سرمایه، صحیح به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: مضاربه، نفقه مضاربه، مخارج مضاربه، نفقه عامل، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. دانشیار رشته فقه و مبانی حقوق دانشگاه تبریز

*Email: a.mortazi@tabrizu.ac.ir

* نویسنده مسئول؛

۲. کارشناس ارشد فقه و حقوق خصوصی دانشگاه تبریز

*Email: roghaieh.ghasemi@yahoo.com

مقدمه

یکی از راه‌های تجارت قانونی و مشروع، انعقاد قرارداد مضاربه است که جزو عقود بوده و در آن، دو طرف وجود دارد. یک طرف که مالک نامیده می‌شود، سرمایه را تأمین می‌کند و طرف دیگر که با آن سرمایه، تجارت می‌نماید، عامل یا مضارب نامیده می‌شود. بنابراین، مضاربه عقدی است بین دو نفر که یکی صاحب سرمایه و دیگری عامل تجارت برای سرمایه‌گذاری می‌باشد؛ مبنی بر اینکه سود حاصل بین آن‌ها، به نسبت مورد توافق، تقسیم شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۲۵). عقد مضاربه فقط مختص به کارگیری سرمایه در تجارت از طریق خرید و فروش است و استفاده از آن به‌عنوان مضاربه در زمینه‌های تولید و توزیع و خدمات و مانند آن، صحیح نیست (خامنه‌ای، ۱۴۱۴: ۸۱). حال، یکی از مسائل مطرح در مضاربه، هزینه‌های انجام مضاربه توسط عامل است که در ادبیات فقه شیعه، «نفقه‌ی مضارب»، خوانده می‌شود. هدف این تحقیق بررسی لزوم و عدم لزوم تأمین نفقه مضارب از سوی مالک در زمان‌ها و حالت‌های مختلف از جمله در شهر خودش، مسافرت، هنگام بیماری، فوت و فسخ مضاربه در مسافرت تجاری و مواردی از این قبیل و همچنین مصادیق و محل تأمین این مخارج از دیدگاه فقه امامیه می‌باشد.

شایان ذکر است که در خصوص عدم تأمین هزینه‌های حاضر عامل در عقد مضاربه در فقه امامیه اتفاق نظر وجود دارد، مگر اینکه در قرارداد شرط شده باشد که این مخارج نیز برعهده‌ی مالک می‌باشد. ولی در مورد نفقه سفر مضارب دیدگاه‌های متفاوتی به چشم می‌خورد که در ادامه با اتکاء به اسناد کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی، به طرح و بررسی استدلالی هر یک از آن‌ها و گزینش نظریه و استدلال صحیح، پرداخته می‌شود. به‌لحاظ پیشینه نیز تذکر این نکته لازم و ضروری است که در خصوص مسأله چگونگی تأمین هزینه‌های مضارب و حدود هزینه‌کردهای او مقاله و تحقیق مستقل دیگری نگاشته نشده و این خلا، حتی در قوانین موضوعه ایران نیز مشهود می‌باشد و مسأله یادشده، از جمله موارد مسکوت در قانون مدنی ایران است که این امر، ضرورت پژوهش در مورد آن را دوچندان می‌کند.

۱. دیدگاه‌های مختلف در خصوص لزوم تأمین نفقه مضارب در سفر و ادله آن

دیدگاه‌های مختلفی در خصوص هزینه‌های مضارب در زمان انجام معامله در سفر تجاری و در جهت مصالح مضاربه وجود دارد که آیا تأمین این مخارج توسط صاحب مال، لزومی دارد یا خود عامل باید از عهده این هزینه‌ها برآید؟ درباره این موضوع که چه میزان از هزینه‌هایی که مضارب در سفر تجاری متحمل شده و با عنوان «نفقه مضارب» از آن یاد می‌شود، قابل دریافت است، دو نظریه عمده و کلی وجود دارد: برخی فقها قائل به وجوب پرداخت نفقه سفر مضارب توسط صاحب مال هستند،

ولی بعضی دیگر ضمن قیاس مضاربه در سفر با حضر، معتقدند که این هزینه‌ها توسط عامل پرداخت می‌گردد. البته در میان گروه نخست، یعنی فقهایی که پرداخت هزینه سفر مضارب را واجب می‌دانند، عده‌ی اندکی از ایشان فقط تأمین مخارج مازاد بر حضر را لازم می‌دانند که در ادامه بحث، همه این دیدگاه‌ها و ادله طرفداران آن مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از میان آن‌ها نظریه درست، معین شود.

۱-۱. نظریه لزوم تأمین تمام نفقه مضارب در سفر

مشهور فقهای امامیه بر این باورند که کل نفقه عامل برای تجارت در سفر از مال مضاربه برداشته می‌شود، اما اگر اسراف و ولخرجی کرده و بیش از شأن، وضعیت و مزاج خرج کند، در این صورت، ضامن است (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۰). بنابراین اگر مضارب، هدایا و جوایزی بدهد یا مهمانی بگیرد، برعهده خودش می‌باشد، مگر اینکه به مصلحت تجارت باشد که در این صورت می‌تواند هزینه آن را از مال مضاربه بردارد (خمینی، بی تا: ۶۱۳/۱). ناگفته نماند که مطابق این نظریه، چنانچه در عقد مضاربه شرط شود که هزینه‌های عامل برعهده خودش خواهد بود، این شرط، صحیح و لازم‌الاتباع بوده و به آن عمل می‌گردد، همچنان‌که تسویه برخی هزینه‌های دیگر نیز که جزو مخارج متعارف نیست به واسطه شرط، بر مالک واجب می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲۱۵/۴). آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با مشروعیت و واجد اثر بودن چنین شرطی می‌نویسند: «عامل هزینه‌های خود را، چه در سفر تجاری و چه در شهر خود، نمی‌تواند از سرمایه مالک بردارد. اما اگر به اذن مالک سفر رفته، در صورتی که از سرمایه صرف نفقه کند، ضامن نیست؛ مگر اینکه مالک شرط کرده باشد، نفقه برعهده عامل باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۳۴).

۲-۱. ادله وجوب تأمین تمام مخارج مضارب در سفر

مشهور فقها بر وجوب تأمین تمام هزینه‌های سفر تجاری مضارب توسط مالک به ادله زیر استناد جسته‌اند:

۱-۲-۱. مقتضای اطلاق عقد مضاربه

اگر در عقد مضاربه عدم تأمین نفقه توسط مالک شرط نشده باشد، اطلاق خود عقد اقتضا می‌نماید که مخارج سفر از مال مضارب برداشته شود و عامل از مال خود هزینه نکند، مگر اینکه خلاف آن شرط شود که در این صورت عمل به این شرط خلاف مقتضای اطلاق عقد، واجب است (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲۱۵/۴؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۰).

۲-۲-۱. روایات

از دیگر دلایلی که در باب وجوب تأمین مخارج مضارب از مال مضاربه بیان شده، روایاتی است که در خصوص نفقه مضارب وارد شده و از جمله بارزترین این روایات، صحیح‌ه علی بن جعفر از

برادرش امام موسی کاظم علیه السلام که می‌فرمایند: «فِي الْمُضَارِبِ مَا أَنْفَقَ فِي سَفَرِهِ فَهُوَ مِنْ جَمِيعِ الْمَالِ وَإِذَا قَدِمَ بَلَدَهُ فَمَا أَنْفَقَ فَهُوَ مِنْ نَصِيْبِهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۴/۱۹). در این روایت امام (ع) میان نفقه سفر و حضر تفاوت قائل شده‌اند و در سفر تأمین آن را از مال مضاربه فرض کرده‌اند، ولی وقتی عامل به شهر خویش رجوع نمود، بعد از آن دیگر مخارج بر مالک واجب نیست. فقیهان، این روایت را صحیح دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۱۰/۲۱؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۵/۲۶). پیداست کلمه «ما» در عبارت «ما انفق» روایت علی بن جعفر، بر عموم دلالت داشته و تمام هزینه‌های سفر را شامل شده و به کل آنچه در سفر نیاز دارد تعمیم می‌یابد و همه آن از سرمایه و مال مضاربه تأمین می‌شود (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۴۷/۱۰؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۳۱۹/۲).

۳-۲-۱. اجیر بودن عامل برای مالک در سفر

در سفری که برای تجارت مورد نظر مالک انجام می‌گیرد، عامل مانند اجیر صاحب مال است، به همین جهت هزینه‌های سفر را نیز مالک باید پرداخت کند و لازم نیست عامل از جیب خودش هزینه نماید (حکیم، ۱۴۱۶: ۲۹۹/۱۲). به‌دیگر سخن، سفر برای تجارت، عمل صاحب مال می‌باشد و عامل در این سفر عمل او را برعهده گرفته است و بنابراین اجیر مالک می‌باشد و همین امر سبب می‌شود که تأمین نفقه سفر عامل را نیز مالک برعهده بگیرد (عاملی، ۱۴۱۹: ۵۹۱/۲۰؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۴۷/۱۰).

۴-۲-۱. سیره قطعیه

در برخی متون فقهی نیز وجود سیره قطعیه را به‌عنوان دلیل لزوم پرداخت تمام نفقه عامل در سفر توسط مالک برشمرده‌اند (خویی، ۱۴۱۸: ۵۱/۳۱).

۵-۲-۱. اجماع

از دیگر دلایلی که برای وجوب نفقه مضارب در سفر ذکر شده، اجماع می‌باشد که شیخ طوسی آنرا ادعا کرده است، ایشان پس از بیان اینکه عامل در سفر غیر مأذون، حق مطالبه هزینه‌های خویش را ندارد و تنها در سفری که توسط صاحب مال، اذن داده شده می‌تواند مخارجش را از مال مضاربه تأمین کند بعد از ذکر وجوه سه‌گانه‌ای که شافعی بیان کرده و گفته در این خصوص سه وجه وجود دارد: نخست عدم پرداخت نفقه‌ی سفر، دوم پرداخت تمام هزینه سفر تجاری و سوم نیز تأمین مخارج مازاد بر هزینه‌های حضر؛ درنهایت دیدگاه دوم را انتخاب کرده و فرموده دلیل ما بر این دیدگاه اجماع فرقه و اخبار آن‌هاست (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۴۶۲/۳).

۳-۱. نظریه وجوب تأمین مخارج مازاد بر نفقه حضر

تعداد اندکی از فقها با اینکه به وجوب تأمین مخارج مضارب در سفر مأذون توسط صاحب مال رأی داده‌اند، اما تأمین تمام هزینه‌های انجام‌یافته را لازم ندانسته و فقط پرداخت مخارج مازاد بر هزینه‌های متعارفی که عامل در شهر خویش آن‌ها را متحمل می‌شود؛ ضروری فرض کرده‌اند و بقیه مخارج روزمره که در صورت حضور در محل سکونت خود نیز پیش می‌آید را برعهده خود مضارب گذاشته‌اند (فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۱۴/۲).

۴-۱. ادله وجوب تأمین مخارج مازاد بر نفقه حضر

دلایلی که در خصوص این دیدگاه مطرح شده، از قرار زیر است:

۱-۴-۱. اجماع

عده‌ی اندکی از فقها معتقدند تنها، مخارجی از مالک قابل مطالبه است که مازاد بر نفقه حضر باشد و دلیل آن را اتفاق نظر فقیهان مبنی بر عهده‌داری هزینه‌های حضر توسط خود عامل، دانسته‌اند. بدین ترتیب، فقط هزینه‌هایی مانند مخارج سواری و جای خواب که در صورت عدم سفر، پیش نمی‌آید از مال مضاربه تأمین می‌شود، چون به اجماع فقیهان، هزینه‌های حضر، توسط مضارب پرداخته می‌شود و در نتیجه، هزینه‌های همسان آن در مضاربه نیارمند سفر نیز برعهده خود عامل و مضارب خواهد بود (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۳۴۸/۴).

۲-۴-۱. وجود رابطه علیت بین سفر تجاری و پیدایش مخارج

طرفداران نظریه دوم، بر این باورند که هزینه‌هایی همچون تهیه وسیله نقلیه و محل خواب، معلول سفر تجاری است و سفر، علت پیدایش این نوع هزینه کرده است و بدین دلیل می‌بایست مالک مال مضاربه که سبب به وجود آمدن این سفر و پیرو آن، مخارج نامبرده است؛ تأمین آن‌ها را برعهده داشته باشد (فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۱۴/۲؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۳۴۸/۴).

۳-۴-۱. تعلق ربح به مالک

طبق این دلیل، سود به دست آمده از تجارت مأذون، مال مالک می‌باشد و اصل بر این است که عامل فقط در آن مقدار از سرمایه که اذن دارد می‌تواند تصرف کند و در غیر آن حقی ندارد (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۳۴۸/۴) و بنابراین، برداشت همه هزینه‌های سفر تجاری از محل سود، مجوز شرعی و قانونی ندارد، بلکه تنها آن اندازه که برای انجام مضاربه و سفر منجر به کسب سود صرف کرده، یعنی سهم خود از ربح و نیز مخارج اختصاصی سفر تجاری را می‌تواند مطالبه نماید.

۱-۴-۴. اصل بقاء مال بر ملکیت مالک

برخی نیز در خصوص علت پرداخت هزینه‌های مازاد چنین گفته‌اند که اصل بر بقاء مال مضاربه و سرمایه اولیه در ملکیت صاحبش است و از آن مال، تنها به اندازه سهمی که برای عامل، شرط شده، خارج می‌شود. در نتیجه، بقیه مال مضاربه بر همان اصل یادشده، یعنی بقاء در ملکیت مالک، پابرجا می‌ماند و نمی‌توان چیزی را از آن خارج کرد و از محل آن پرداخت نمود. بنابراین برداشت همه هزینه‌های سفر تجاری از محل مال مضاربه، مجوز شرعی و قانونی ندارد (ن.ک: سیوری، ۱۴۰۴: ۲/۲۱۸). آری پرداخت صرف هزینه‌های اختصاصی سفر از محل آن، جایز است، چون این نوع هزینه‌ها به منزله اجرت ملحق به مضاربه می‌باشد که بعداً به سبب حمل و نقل و مانند آن، پیشامد کرده است.

۱-۵. نظریه عدم وجوب نفقه مضارب در سفر

دیدگاه دیگری نیز به چشم می‌خورد که نتایج متفاوتی را در مورد نفقه سفر مضارب به دست آورده است، بنابر این دیدگاه هر آنچه مضارب در سفر بابت انجام تجارت مدنظر مالک هزینه کند، خودش باید متحمل آن گردد و چیزی برعهده صاحب مال نیست، حتی اگر سفرش نیز با اذن مالک باشد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۱۷۲). در کتب برخی دیگر از فقها نیز با عنوان "قیل" به این دیدگاه اشاره شده است که بدون ذکر نام و منبع هستند.

۱-۶. ادله عدم وجوب نفقه مضارب در سفر

در خصوص این نظریه استدلال‌هایی وارد شده که در این بخش به بیان آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۶-۱. عدم فرق بین نفقه سفر با حضر

از جمله دلایلی که برای اثبات این نظریه آورده شده و به آن استناد گردیده این است که در هزینه‌های مضارب برای به دست آوردن سود معامله، بین حضر و سفر فرقی نیست (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۱۷۲)، یعنی همان‌گونه که در حضر هزینه خوراک، پوشاک، مسکن، رفت و آمد و هزینه‌های دیگر از این قبیل برعهده خود عامل است و نمی‌تواند آن‌ها را از صاحب مال مطالبه کند، در سفر نیز همین‌گونه می‌باشد و با اینکه شاید هزینه‌ای بیش از حضر نیز بر او تحمیل شود، با این حال هیچ تفاوتی میان آن‌ها نیست و تأمین هر دو برعهده خود عامل است.

۱-۶-۲. بنای مضاربه بر مالکیت صرف سهام از سود

از دیگر دلایل انتخاب این نظریه آن است که مضارب با این مبنا و پیش شرط وارد مضاربه شده می‌باشد که سهم معینی از سود را ببرد و به همین خاطر، بیش تر از آن چیزی به او نمی‌رسد و ای بسا مضاربه انجام یافته، بیش از همان میزان سود مورد انتظار، بهره‌دهی نداشته باشد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۱۷۲).

۱-۶-۳. جلوگیری از تصرف در مال غیر

برخی فقها نیز در مقام استدلال، چنین اظهار داشته‌اند که سود، مال مالک است و تصرف عامل در سود برای برداشتن هزینه‌های خودش، نوعی تصرف در مال غیر محسوب می‌گردد و اصل بر این است که تصرف فقط با اذن صاحب مال باشد و مضارب فقط از عین مال سهم می‌برد، نه از سود آن، زیرا مضارب نیز فقط با همین هدف و قصد، قبول کرده و وارد عمل شده است، به همین خاطر، مستحق چیزی بیش‌تر از سهم خود از سود، نیست (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۱/۲۱۰).

برآورد نهایی دیدگاه‌های مذکور و استدلال‌های پشتوانه آن حاکی از این است که با وجود روایت‌های صحیح بر وجوب تأمین تمام مخارج عامل در سفر مأذون و همچنین عموم مستفاد از واژه "ما" در صحیح‌ه علی بن جعفر، این نتیجه تقویت می‌شود که نفقه مضارب، به تمام هزینه‌های پیش‌آمده در سفر تجاری او برای مضاربه، گسترش یافته و تنها شامل مخارج مازاد بر حضر نمی‌شود. حتی اگر قبول کنیم که سود، متعلق به مالک است یا اگر گفته شود تنها به اندازه قدر متیقن از مال خارج می‌گردد، باز می‌توان پاسخ داد که در این صورت نیز به دلیل اینکه مضارب با اذن صاحب مال به مسافرت تجاری رفته است، پس تأمین تمام هزینه‌هایش بر او واجب می‌باشد و حتی می‌توان هم‌رأی با بیش‌تر فقها او را به عنوان اجیر برای مالک در نظر گرفت که در این صورت نیز تأمین تمام مخارج و نفقه سفر برعهده مالک و از مال مضاربه خواهد بود. در نتیجه می‌توان دیدگاه و ادله نظریه وجوب پرداخت تمام هزینه‌های مضارب که رأی بیش‌تر فقهای شیعه نیز می‌باشد را نظر برگزیده این تحقیق دانست و گفت که دیدگاه رقیب، دلیلی که بتواند در برابر ادله مشهور مقاومت کند؛ ندارد.

۲. مصادیق نفقه مضارب بر مبنای نظریه وجوب

در این بخش از پژوهش و پیرو نظریه مختار، مبنی بر ضرورت تأمین هزینه‌های سفر تجاری مضارب توسط مالک، به مصادیقی از هزینه‌هایی که عامل می‌تواند در سفر دریافت کند؛ اشاره می‌شود:

۱-۲. هزینه‌های متعارف و روزانه عامل

خوردن و آشامیدن جزو نخستین و ضروری‌ترین نیازهای انسان است و تمام کسانی که به وجوب پرداخت همه هزینه‌های مضارب در سفر تجاری معتقد هستند، در کلام خویش واژه «اکل و شرب» یا «طعام» را ذکر کرده و گفته‌اند که این هزینه‌ها را عامل می‌تواند در حد کفایت از مال مضاربه بردارد (شهیدثانی، ۱۴۱۰: ۴/۲۱۵؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۱). برخی فقها علاوه بر «اکل و شرب» یعنی خوردن و آشامیدن متعارف، حتی تأمین هزینه نوشیدن قهوه و حتی در صورت نیاز، کشیدن توتون را نیز از مال مضاربه جایز می‌دانند (کاشف‌الغطاء، پیشین). از موارد دیگر مخارج قابل مطالبه، پوشاکی است که مضارب به منظور استفاده در سفر مأذون می‌تواند مطابق شأن خود بردارد (حائری، بی‌تا:

۳۴۰/۹). همچنین اگر سفر به مکانی باشد که احتیاج به جای خواب و استراحت باشد، عامل می‌تواند جایی را اجاره کند و تمام هزینه تهیه آن مسکن را از مال مضاربه تأمین نماید (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۱۱۲/۸). همچنین کرایه ماشین یا هر وسیله سواری دیگر برای انجام تجارت نیز جزو نفقه مضارب محسوب می‌شود که ممکن است نسبت به شأن و نیاز هر فرد متفاوت باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۶/۲۶). در خصوص هزینه خدمه برای عامل در سفر نیز اگر داشتن خدمه در شأن مضارب باشد، می‌تواند مخارج به‌کارگیری خادم و حتی هزینه‌های خوراک و پوشاک و دیگر مخارج معمول خدمتکار را نیز همچون هزینه‌های خود عامل از مال مضاربه بردارد و در حد کفایت و مطابق مزاج و شأن او تأمین کند (بحرانی، ۱۴۰۵: ۳۹۳/۲۲). همچنین عامل در سفر ممکن است به بیماری دچار شود و یا عمرش به سر آید، در این صورت در خصوص تقبل هزینه‌های درمان بیماری و یا مخارج کفن و دفن او توسط مالک و از سرمایه، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد و به عقیده برخی هزینه‌های دارو و معالجه برعهده خودش می‌باشد، زیرا نفقه مضارب مختص به تجارت است و همچنین اگر در اثنای سفر عامل فوت کند، از مال قراض برای تکفین او برداشته نمی‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۰۵/۱۷). عده‌ای نیز در خصوص علت عدم تعلق نفقه فوت چنین استدلال کرده‌اند: «نفقه مختص حال حیات است، نه مطلق، یعنی در هر صورت نفقه شامل نمی‌شود، بلکه فقط در حال حیات نفقه به عامل تعلق می‌گیرد و نفقه بیماری نیز مانند فوت تعلق نمی‌گیرد» (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۱۱۵/۸). به عقیده بعضی دیگر هزینه درمان بیماری و مخارج دارو و معالجه، برعهده‌ی مضارب است و مالک مسئولیتی در قبال او ندارد، زیرا بیماری یا فوت متعلق به تجارت نیستند و جزئی از تجارت به حساب نمی‌آیند. ضمن اینکه، چنانچه بیماری او سبب شود که از تجارت دور بماند، در این صورت، دیگر هزینه‌های سفر تجاری نیز برعهده‌ی خود مضارب خواهد بود (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۳۴۹/۴). برخی نیز ضمن اشکال بر استدلال مذکور، گفته‌اند که عدم تقبل هزینه‌های موت از سوی صاحب مال، به جهت انفساخ عقد مضاربه با فوت عامل است، نه به‌خاطر اینکه فوت جزو تجارت نیست (حکیم، ۱۴۱۶: ۳۰۱/۱۲ و ۳۰۲). زیرا طبق منابع فقهی با فوت یکی از طرفین مضاربه، عقد منفسخ می‌شود به این جهت که مضاربه جزو عقود جایز است و هر کدام از طرفین قرارداد می‌توانند هر زمان که خواستند آن را به‌هم بزنند و حتی شرط مدت معین هم عقد مضاربه را در زمره عقود لازم قرار نمی‌دهد و فقط تعیین زمان برای این است که بعد از گذشتن آن عامل نمی‌تواند در سرمایه دخل و تصرف کند و تصرف او منوط به اذن مالک می‌باشد (بحرانی، ۱۴۰۵: ۳۹۳/۲۲). آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اذعان به اینکه: «در مضاربه، تعیین مدت، شرط نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۲۸) در رابطه با این ویژگی عقد مضاربه نیز تأکید دارند که: «عقد

مضاربه از عقود جایز است؛ یعنی هریک از طرفین، حق برهم زدن آن را دارند؛ حتی اگر مدت مشخصی را برای آن قرار داده باشند. البته اگر شرط کرده باشند که کسی از حق فسخ خود استفاده نکند، نباید از حق فسخ استفاده نمایند. اما اگر استفاده کرد، مضاربه فسخ می‌شود. ولی شخص فسخ‌کننده معصیت کرده و اگر ضمن عقد لازم دیگری شرط کند که تا مدت معینی فسخ نگردد، در این صورت حق فسخ ندارند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۲۹). در مورد بیماری هم باید گفت گرچه مرض و بیماری، متعلق به تجارت نیست، ولی در واقع مضارب در این سفر که برای تجارت رفته بیمار شده و این بیماری هم از سفر محسوب می‌شود و نفقه آن بر مالک واجب است (حکیم، ۱۴۱۶: ۳۰۱/۱۲ و ۳۰۲) و این دیدگاه، منطقی‌تر می‌باشد.

۲-۲. هزینه‌های بازگشت عامل از سفر در فرض انحلال مضاربه

در خصوص مخارج و هزینه‌های بازگشت مضارب از مسافرت تجاری در صورتی که عقد مضاربه میان طرفین از بین رفته و منفسخ گردیده یا از طرف یکی از آن‌ها فسخ شده باشد، اختلافاتی بین فقها دیده می‌شود. بعضی چنین اظهار داشته‌اند که چه فسخ از جانب عامل باشد یا مالک، فرقی نمی‌کند و نفقه برگشت برعهده خود عامل است، زیرا نفقه به‌عنوان حقوقی «مضارب»، تعلق می‌گیرد و حال اینکه در صورت انحلال، عقدی وجود ندارد تا مضارب نیز بر عامل صدق کند، در نتیجه به او چیزی نمی‌رسد (علامه‌حلی، ۱۴۱۴: ۱۰۵/۱۷). از دیدگاه برخی نیز نفقه به «عقد مضاربه» تعلق می‌گیرد ولی پیرو فسخ، دیگر عقدی وجود ندارد و نباید مالک متضرر شود و این درحالی است که هرکس وارد عقد مضاربه می‌گردد، می‌داند که هر دو طرف هر زمان بخواهند می‌توانند عقد را فسخ کنند (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۳۵۰/۴؛ محقق‌کرکی، ۱۴۱۴: ۱۱۴/۸ و عاملی، ۱۴۱۹: ۵۹۴/۲۰). ولی برخی قائل به لزوم پرداخت نفقه عامل در صورت فسخ و انفساخ در سفر هستند، زیرا مضارب را به‌واسطه صرف سفر برای تجارت، مستحق این نفقه دانسته‌اند (ن.ک: حکیم، ۱۴۱۶: ۳۰۵/۱۲). از جمله ایشان، آیت‌الله خامنه‌ای است که بدون تفکیک بین اسباب انحلال مضاربه، می‌نویسند: «در صورتی که مضاربه از ابتدا صحیح بوده و شرایط لازم (شرایط طرفین، ربح و سرمایه) رعایت شده باشد، اما به هر دلیل فسخ یا باطل شده باشد، اگر در اثنای کار و پیش از حصول سود باشد؛ چیزی برای عامل نیست؛ یعنی سود یا اجرتی به او تعلق نمی‌گیرد و اگر مقداری از سرمایه را هم صرف نفقه‌اش نموده است (مانند اینکه برای تجارت، به اذن صاحب مال، به سفر رفته و هزینه‌ای را صرف کرده است) ضامن نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۳۰). عده‌ای از فقها همچنین میان فسخ و انفساخ تفاوت قائل شده‌اند که اگر عقد مضاربه با موت یا چیزی شبیه آن منفسخ شود یا اینکه توسط خود مضارب معامله فسخ گردد، هزینه‌های بعد از آن در سفر و مسیر برگشت برعهده‌ی عامل خواهد بود

و مالک در این زمینه وظیفه‌ای ندارد، اما اگر به وسیله مالک فسخ شده باشد، مشکل است که گفته شود مخارج برگشت از سفر را باید عامل متحمل گردد. از طرف دیگر بیان امام (ع) در صحیح‌ه علی بن جعفر که فرموده‌اند: «فی المضارب ما انفق فی سفره» نیز شامل او نمی‌شود؛ چراکه موضوع این صحیح‌ه همان عاملی است که مضارب بوده، ولی اکنون موضوع، تغییر یافته و عقد مضاربه‌ای وجود ندارد تا مضاربی هم در کار باشد و به او عامل مضاربه صدق کند، زیرا عقد فسخ شده است، ولی این امر موجب نمی‌گردد که این هزینه‌ها را خود عامل برعهده بگیرد، بلکه در این مورد، ملاک، ارتکاز عرف می‌باشد و آن هم بر الزام مالک به پرداخت نفقه عامل در سفر برگشت، مبتنی است (خویی، ۱۴۱۸: ۵۶/۳۱) و همین حکم در صورت انفساخ قهری و بدون دخالت اراده عامل مانند حدوث جنون بر او نیز جاری است و وجدان عرف قبول نمی‌کند که هزینه‌های عامل برعهده خودش باشد، زیرا عامل با اذن مالک سفر کرده است (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۳۹).

تعدادی از فقها نیز این موضوع را به این شکل بیان کرده‌اند که سه حالت در این مسأله می‌باشد: اگر مالک سبب فسخ یا انفساخ قرارداد شده است باید نفقه برگشت عامل را تقبل کند، ولی اگر سببی غیر از مالک در فسخ یا انفساخ معامله دخیل بوده، دلیلی بر وجوب نفقه برگشت مضارب توسط مالک نیست و اگر معلوم نیست کدام یک از طرفین در این امر دخیل بوده و شک در آن وجود دارد اصل، عدم وجوب نفقه بر مالک است و چون در موضوع شک داریم، تمسک به دلیل مضاربه برای وجوب پرداخت نفقه عامل از مال مضاربه وجهی ندارد (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۷۴/۱۹).

برآمد منطقی حاصل از دقت در دیدگاه‌های مطرح‌شده و استدلال‌های ایشان آن است که در صورت فسخ معامله از ناحیه عامل در سفر و پیش از برگشت به شهر خویش، بقیه مخارج و نفقه برگشت برعهده خود عامل باشد، زیرا با اختیار و آگاهی عقد را فسخ کرده و دلیلی ندارد که مالک، بقیه مخارج او را متحمل شود، ولی چنانچه فسخ از طرف مالک باشد، او باید هزینه‌های برگشت عامل به شهر خویش را بدهد تا عامل بیش از این متضرر نگردد؛ چراکه وقت وی در راستای انجام این سفر تجاری، تلف شده و منطقی نیست. علاوه بر زمان، هزینه مالی را نیز برعهده بگیرد. در ضمن گرچه برخی بر عدم پرداخت نفقه استدلال کرده‌اند و گفته‌اند که عقدی نیست تا مالک و مضاربی هم باشد و نفقه هم به عامل داده شود، اما باید به این موضوع توجه داشت که عامل با اذن مالک و در جهت مصالح مضاربه سفر کرده است، پس باید میان فسخ از طرف عامل و مالک تفاوت قائل شد و تفصیل داد. همچنین در صورت انفساخ نیز در صورتی که سبب انفساخ از جانب مالک باشد باید هزینه‌های عود عامل را برعهده بگیرد و در این زمینه صحیح‌ه علی بن جعفر به دلیل در مقام بیان نبودن، اطلاق ندارد تا بتوان بدان تمسک جست و باید ملاک را عرف و سیره عقلا در نظر گرفت.

۲-۳. هزینه‌های عامل در صورت وجود دواعی مختلف سفر

گاهی عامل، سفر شخصی می‌نماید و در آن‌جا معامله‌ای جهت مضاربه می‌کند یا برای معامله‌ای سفر می‌نماید و در کنار آن برای خود مضاربه‌ای می‌کند یا صورت‌های دیگری که از جهت تعلق نفقه به او متفاوت هستند:

۲-۳-۱. تبعی بودن انگیزه معامله

صورت نخست این است که عامل برای یک غرض غیرتجاری مسافرت کرده و در ابتدای سفر به هیچ عنوان قصدی تجاری نداشته است، ولی بعد از سفر تصمیم می‌گیرد در همان سفر معامله‌ای نیز برای مضاربه انجام دهد و اگر قصد شخصی نبود، به جهت مضاربه به سفر نمی‌رفت. در این حالت که سفر او هیچ ارتباطی به معامله ندارد، به نظر برخی فقها مقتضای جمود بر عبارت روایت این است که بگوئیم عامل می‌تواند نفقه خود را از سرمایه تأمین کند، زیرا روایت می‌گوید اگر مضارب سفر نماید، نفقه او از مال مضاربه تأمین می‌شود و اکنون نیز عامل در سفر است و می‌خواهد جهت مصالح مضاربه، معامله‌ای را انجام دهد، هر چند انگیزه دیگری غیر از مضاربه داشته است، اما عرف متعارف این را نمی‌پذیرد و روایت نیز از این صورت انصراف دارد، زیرا در فرض مذکور، سفر به قصد معامله نه جزء العله است و نه صلاحیت بر علیت و استقلال دارد و در نتیجه امکان مطالبه نفقه‌ای برای سفر خود ندارد (زنجان، ۱۳۹۸: ۵۸).

۲-۳-۲. اصلی بودن انگیزه معامله

گاهی نیز ممکن است عامل به قصد و انگیزه معامله مسافرت کرده باشد و مالک نیز در جریان سفر او قرار دارد، ولی عامل بعد از پایان مضاربه به شهر خودش برنگردد و قصد تبعی دیگری را نیز دنبال کند، به طور فرض به تفریح یا معامله برای خودش یا هر کار دیگری بپردازد. به اعتقاد عده‌ای، اگر امر عارضی بعد از اتمام مضاربه پیش آید و از ابتدا کاری غیر از مضاربه نداشته است، ولی در ادامه سفر یک کار دیگری به غیر از مضاربه برای عامل پیش بیاید، در این صورت به فتوای برخی فقها نفقه از مال مضاربه تأمین خواهد شد، زیرا قصد او از سفر برای مصالح مضاربه بوده است (یزدی، ۱۴۲۸: ۵۶۵/۲). برخی نیز بدین گونه استدلال کرده‌اند که اطلاق دلیل مضاربه شامل این مورد نیز خواهد شد، زیرا بر عامل صدق می‌کند که در مقام تجارت است» (خویی، ۱۴۱۸: ۵۳/۳۱)، اما تحقیق مطلب آن است که در این گونه موارد، تکلیف او از جهت نفقه چنین است که تا زمانی که در راستای تأمین مصالح مضاربه کار می‌کند، می‌تواند از سرمایه هزینه نماید، اما بعد از اتمام مضاربه دیگر حق استفاده از آن را ندارد و نفقه در این مدت برعهده خودش است، چون سفرش

در آن مدت به مصلحت مال نیست و ادله از پرداخت نفقه در آن زمان انصراف دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۶/۲۶؛ خمینی، بی‌تا: ۶۱۴/۱؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۲۹۹/۱۲).

۳-۳-۲. داشتن انگیزه‌های متعدد مستقل و در عرض هم

این صورت عبارت از قصدهای مستقل متعدد می‌باشد، یعنی عامل به قصد یا دواعی مختلف مسافرت کرده است، ولی هریک از قصدها مستقل از هم بوده و به صورت عام مجموعی نیست و هر کدام صلاحیت برای علیت دارند. به طوری که اگر یکی نباشد، باز هم سفر توسط عامل انجام خواهد شد و هیچ کدام قصد تبعی محسوب نمی‌شود و نبود هیچ کدام مانع از سفر عامل برای داعی دیگر نمی‌گردد، در این خصوص سه نظریه به چشم می‌خورد:

۱- کسر تمام مخارج سفر از سرمایه

۲- تأمین همه هزینه‌ها توسط خود عامل

۳- توزیع هزینه‌ها بین مالک و عامل

برخی فتوا به نظریه نخست و تقبل تمام نفقه عامل از مال مضاربه داده‌اند با این استدلال که: «در روایت، قید نشده که تنها علت سفر عامل، معامله و تجارت باشد، در خارج هم خیلی نادر است که فرد تنها به غرض مضاربه سفر کند و معمولاً افراد اغراض دیگری نیز دارند، بنابراین به نظر ما روایت اطلاق دارد و شامل این صورت نیز می‌شود و انصرافی در کار نیست» (زنجان، ۱۳۹۸: ۵۸). عده‌ای از فقها نیز معتقد به نظریه دوم و عدم کسر هزینه‌ها از مال مضاربه هستند و چنین استدلال کرده‌اند که: «اگر همه سفر به اذن مالک باشد، پس نفقه نیز بر گردن مالک خواهد بود، ولی چنانچه تمام سفر به اذن مالک نباشد، دلیلی بر توزیع هزینه‌ها میان عامل و مالک نیست» (سبحانی، ۱۴۱۴: ۳۲). برخی فقها هیچ‌یک از دو قول را اختیار نکرده و احتیاط را در نظریه سوم دانسته‌اند و با اینکه توزیع نفقه، سفر عامل را میان مضارب و مالک احوط محسوب داشته‌اند، اما مقتضای احتیاط کامل را در این پنداشته‌اند که عامل هیچ مقدار از سرمایه بر ندارد و تمام مخارج سفر را خودش برعهده بگیرد (یزدی، ۱۴۲۸: ۵۶۵/۲) و بعضی نیز توزیع را بهتر فرض کرده‌اند (امام خمینی، ۱۴۲۲: ۸۶۲). عده‌ای از پیروان قول سوم، در مقام استدلال چنین اظهار داشته‌اند که ارتکاز عرفی، اقتضای توزیع نفقه میان مالک و عامل را دارد و به حسب این ارتکاز می‌توان حکم را از صحیح‌ه علی بن جعفر پیشین استفاده نمود، به این صورت که عامل بین دو صفت جمع کرده است، او هم عامل مضاربه می‌باشد و هم عامل برای کار دیگر، در نتیجه مالک باید نفقه مضارب را آن مقدار که او عامل مضاربه محسوب می‌شود پردازد و نسبت به کار دیگر عامل، مسئولیتی ندارد (خویی، ۱۴۱۸: ۵۳/۳۱).

۲-۳-۴. عدم استقلال هیچ کدام از انگیزه‌ها

در فرضی که تمام انگیزه‌ها در سفر دخالت دارد و هیچ کدام به تنهایی صلاحیت علیت برای سفر ندارد و درعین حال، هیچ کدام تبعی هم نیستند، بلکه همه انگیزه‌های مسافرت عامل، در مجموع موجب سفر او شده‌اند و در کنار هم صلاحیت علیت می‌یابند و بالفعل تأثیر می‌گذارند؛ برخی قائل به توزیع هزینه‌های عامل بین مالک و عامل هستند، یعنی هزینه‌های مرتبط با آن قسمت از وقت عامل که صرف در مصالح مضاربه می‌شود، می‌تواند از محل سرمایه، تأمین گردد، ولی آن زمان که صرف کارهایی غیر از مضاربه می‌کند، خودش باید مخارجش را بپردازد (یزدی، ۱۴۲۸: ۵۶۵/۲)، بعضی از فقها نیز دلیل توزیع در این مورد را ارتکاز عرفی دانسته‌اند (خویی، ۱۴۱۸: ۵۳/۳۱). در مقابل، تعدادی از فقها چنین فتوا داده‌اند که عامل می‌تواند تمام مخارج سفر را از رأس المال بردارد و هیچ خرجی برعهده خود او نیست (زنجان، ۱۳۹۸: ۵۸) و دلیل این فتوا را هم چنین مطرح کرده‌اند: «زیرا سفر جایز می‌باشد و عامل، ملزم به سفر نبوده است، از این رو به موجب روایت اگر عامل برای معاملات در جهت مضاربه سفر کند و در مسافرت، خرجی نماید، می‌تواند آن مخارج را از سرمایه کسر کند و روایت اطلاق دارد و از این موارد انصراف ندارد» (پیشین).

از میان تمام دیدگاه‌های مطرح شده می‌توان گفت در صورتی که عامل برای مصلحت شخصی مسافرت نموده، هرچند در آن سفر تجارت نیز کرده است، تمام نفقه برعهده خودش می‌باشد، زیرا در صورت نبود معامله و مضاربه نیز همین مخارج را متحمل می‌شد و در صورت‌های مطرح شده دیگر که یا معامله و قصد دیگر در عرض هم و مستقل هستند یا به هم وابسته بوده و در صورت نبود یکی، مسافرتی انجام نمی‌شد و همچنین در صورتی که معامله قصد اصلی است، توزیع هزینه‌ها بهترین راه به نظر می‌رسد و در زمانی که عامل در جهت مصالح مضاربه فعالیت می‌کند، مخارج را از مال مضاربه تأمین نماید، ولی زمانی که انگیزه‌های دیگر را دنبال می‌کند، مخارجش نیز برعهده خودش باشد، زیرا ادله پرداخت نفقه سفر از سرمایه که مهم‌ترین و صریح‌ترین آن‌ها صحیحیه علی بن جعفر می‌باشد، از آن زمان انصراف دارد و ارتکاز عرفی، اقتضای توزیع نفقه بین مالک و عامل را دارد و زمانی که عامل، عامل مضاربه است، نفقه شامل او می‌شود، ولی زمانی که عامل برای عمل دیگری می‌باشد، مالک مسئولیتی نسبت به هزینه‌های او ندارد.

۲-۴. هزینه‌های عامل در صورت تعدد مالک

از نظر فقهای امامیه، از جمله آیت‌الله خامنه‌ای، عامل نمی‌تواند خودش با دیگری مضاربه کند یا با دیگری در مضاربه مشارکت نماید؛ مگر اینکه مالک اذن دهد و در صورت اذن مالک، مضاربه نخست باطل است و در مضاربه دوم نیز بسته به نوع اذن مالک: الف) یا عامل با فرد دوم به صورت

مشترک عامل خواهند بود؛ ب) یا عامل دوم فقط عامل است. البته، اگر مقصود از مضاربه دوم، مضاربه بین عامل و غیرش باشد، به این معنا که عامل دوم، عامل اول باشد، این مضاربه باطل می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۳۰).

ولی این فرض، ممکن است که عامل برای چند مالک، مضاربه انجام دهد یا اینکه در کنار مضاربه برای مالک‌های دیگر، برای خودش نیز معاملاتی انجام دهد، در این صورت طبق دیدگاه برخی اگر عامل، برای خود و دیگران، مضاربه کرده باشد؛ دو حالت وجود دارد: ۱) مضاربه، علت مستقل در سفر مضارب نباشد که نفقه باید بین همه توزیع شود. ۲) اگر مضاربه برای دیگران علت مستقل سفر عامل محسوب گردد، جایز است که تمام نفقه خودش را از سرمایه‌ای که دیگران در اختیار او قرار داده‌اند بردارد. اما چنانچه برای خود، مضاربه انجام نداده بلکه برای دو نفر یا بیش‌تر، عامل بوده است، نفقه باید بین همه آن‌ها توزیع شود (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۳۱/۲). ولی به باور بیش‌تر فقها، نفقه در هر حال از مال همه صاحبان مال برداشته شده و میان همه از جمله خود عامل، توزیع می‌گردد (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۳۴۹/۴؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۱۱۲/۸؛ یزدی، ۱۴۲۸: ۵۶۵/۲).

پرسشی که پیرو نظریه توزیع مطرح می‌شود، اینکه اگر قرار بر توزیع مخارج عامل باشد، در این صورت هر مالک نسبت به مقدار مالش باید نفقه مضارب را بدهد یا مخارج مضارب نسبت به عملی که برای هر مالک انجام می‌دهد محاسبه می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش دو قول مطرح شده است:

۲-۴-۱. تقسیم نفقه براساس مال

برخی فقها معتقدند که تقسیم نفقه عامل در سفری که برای چند مالک مضاربه می‌کند یا علاوه بر مضاربه چند مالک، مال دیگری نیز دارد که برای خودش مضاربه انجام می‌دهد به نسبت سهم هر مالک است و هر مالک به اندازه‌ای که مال مضاربه دست عامل دارد و مضارب در سفر برای او معامله انجام می‌دهد، ملزم به تقبل هزینه‌های سفر اوست (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۱۲/۲۱؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۳۱/۲).

۲-۴-۲. تقسیم نفقه براساس عمل

دیدگاه دیگر این است عامل برای هر مال چه اندازه وقت اختصاص می‌دهد و به قدر زمانی که صرف معامله آن سرمایه می‌کند، صاحب آن مال نسبت به پرداخت نفقه سفر تجاری او ملزم می‌باشد. یعنی به نسبت وقتی که برای هر مال می‌گذارد، از سرمایه هریک از مالک‌ها کسر می‌شود (ن.ک: خوبی، ۱۴۱۸: ۵۴/۳۱).

۲-۴-۳. تقسیم نفقه به صورت مساوی

احتمال سوم این است که توزیع نفقه عامل بین مالک‌ها به نحو مساوی باشد، چون سفر چه برای مال زیاد باشد یا مال کم، نفقه‌اش یکی است و همین‌طور در نفقه سفر، تفاوتی میان عمل بیش‌تر برای مضاربه و عمل کم نیست و در هر دو صورت عامل همان مخارج را خواهد داشت. برای مثال زمانی که انسان به جهت مصالح مضاربه به شهری سفر کند، در مخارج سفر او مانند کرایه هتل، سواری و خورد و خوراک فرقی نمی‌کند که عامل معامله کلانی انجام دهد یا نه مضاربه‌ای ناچیز بکند و همین‌طور فرقی ندارد که در طول یک ساعت این کار را انجام دهد یا عملش ده ساعت طول بکشد (ن.ک: یزدی، ۱۴۲۸: ۵۶۶/۲).

به نظر می‌رسد قول صحیح در این مسأله توزیع نفقه عامل براساس عمل او برای هر مالک است و عرف نیز همین را می‌فهمد و مقتضای بناء عقلا هم برحسب عمل می‌باشد، در این مورد نظر برخی فقها تأیید همین استدلال است (یزدی، ۱۴۲۸: ۵۶۶/۲؛ خویی، ۱۴۱۸: ۵۴/۳۱)، به این معنا که در نفقه سفر قلت و کثرت مال مضاربه دخالتی ندارد و ممکن است در یک معامله با زمان معین سرمایه متفاوتی مورد معامله قرار گیرد.

۳. محل تأمین مخارج مضارب در سفر

پس از بررسی وجوب و عدم وجوب پرداخت مخارج مضارب توسط مالک و بیان مصادیق نفقه، مطلبی که باید به آن توجه شود، محل تأمین این نفقه است که از کجا این هزینه‌ها باید پرداخت گردد؟ آیا محل تأمین نفقه‌ای که در سفر تجاری به مضارب داده می‌شود از اصل سرمایه است یا از آنچه که به عنوان سود و ربح است و یا حصول و عدم حصول سود در تعیین محل تأمین نفقه تأثیر خواهد داشت؟ در ادامه، دیدگاه‌های مطرح در این خصوص و ادله آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳-۱. لزوم پرداخت نفقه از محل اصل سرمایه

براساس دیدگاه صاحبان این نظریه، محل تأمین هزینه‌های مضارب و نفقه‌ای که در سفر تجاری به او پرداخت می‌شود، از اصل سرمایه است. در حقیقت صاحب مال است که متحمل هزینه‌ها و مخارج سفر تجاری مضارب می‌شود و عامل می‌تواند در طی سفر تجاری، نفقه متعارف خود را از محل سرمایه اولیه بردارد، هر چند سود هم در این میان به دست آمده باشد (حائری، بی تا: ۳۴۱/۹؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۵۸۹/۲۰). آیت‌الله خامنه‌ای در این باره چنین می‌نویسد: «عامل هزینه‌های خود را چه در سفر تجاری و چه در شهر خود، نمی‌تواند از سرمایه مالک بردارد. اما اگر به اذن مالک سفر رفته، در صورتی که از سرمایه صرف نفقه کند، ضامن نیست؛ مگر اینکه مالک شرط کرده باشد نفقه برعهده عامل باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۳۴).

۲-۳. ادله لزوم پرداخت نفقه از محل اصل سرمایه

فقهای که اصل سرمایه و مال مضاربه را منبع پرداخت این هزینه‌ها فرض کرده‌اند، دلیل آن را اطلاق فتوا و نص انگاشته‌اند و بر این باورند که اقتضای اطلاق فتوا و نص این است که از اصل مال مضاربه هزینه‌های سفر مضارب تأمین شود، حتی اگر سود هم به دست بیاید (حائری، بی تا: ۳۴۱/۹؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۵۸۹/۲۰)، یعنی "جميع المال" که در روایت: «فِي الْمُضَارِبِ مَا أَنْفَقَ فِي سَفَرِهِ فَهُوَ مِنْ جَمِيعِ الْمَالِ وَ إِذَا قَدِمَ بَلَدَهُ فَمَا أَنْفَقَ فَهُوَ مِنْ نَصِيْبِهِ» وجود دارد را مطلق در نظر گرفته و معتقدند که به معنی مطلق اموال می‌باشد و هیچ قیدی مبنی بر پرداخت از سود سرمایه وجود ندارد و به معنی اصل سرمایه است.

این دیدگاه یک نوع افراط است و با وجود حصول سود باز هم پرداخت نفقه را از اصل سرمایه لازم می‌داند و این در واقع طرفداری افراطی از عامل می‌باشد و به نظر منطقی نمی‌رسد و در بین فقها هم طرفدار زیادی ندارد.

۳-۳. نظریه لزوم پرداخت نفقه از محل سود

مطابق این دیدگاه محل پرداخت نفقه عامل، سود به دست آمده از تجارت است و اگر از تجارت سودی حاصل نشود، نفقه‌ای هم به مضارب تعلق نمی‌گیرد و عامل باید مخارجش را خودش تأمین کند (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۷/۲۶).

۴-۳. ادله لزوم پرداخت نفقه از محل سود

استدلالی که در این خصوص وارد شده، همان قیاس با هزینه‌های حضر است، یعنی همان‌طور که مضارب در حضر تمام مخارجش برعهده خودش می‌باشد و نمی‌تواند در قبال این مخارج چیزی از صاحب مال مطالبه کند، در سفر نیز اگر از تجارت سودی به دست نیاید، چنین است و عامل باید خودش متحمل هزینه‌های خود گردد (نجفی، پیشین). این دیدگاه به نظر صحیح نمی‌رسد، زیرا هزینه‌های حضر با سفر یکی نیست و انسان وقتی در شهر و دیار خود می‌باشد، بالتبع مخارج کمتری دارد و نیاز به هتل و سواری و هزینه‌های دیگر کمتر از سفر است و اگر قرار باشد در صورت عدم حصول سود، هزینه‌ها را از جیب خود بپردازد ضرر او مضاعف خواهد بود، زیرا هم وقت خویش را صرف نموده و هم از جیب خود هزینه‌ای نیز کرده است، درحالی‌که مالک در این صورت هزینه‌ای را متحمل نمی‌شود و عادلانه و منصفانه این است که اگر خسارتی باشد، هر دو در آن سهیم باشند.

۳-۵. نظریه لزوم پرداخت نفقه از محل سرمایه با عدم حصول سود

عده‌ای از فقها قائل به پرداخت مخارج سفر مضارب از سود حاصل از تجارت هستند و در واقع تفاوت این نظر با دیدگاه‌های پیشین در نتیجه و ثمره آن است که اگر این نفقه از اصل سرمایه پرداخت شود، هزینه آن به وسیله مالک تأمین خواهد شد و از سهم مضارب چیزی کسر نمی‌گردد و هزینه نفقه بین مضارب و مالک توزیع نمی‌شود، هر چند می‌توان گفت با برداشت از اصل سرمایه، مقدار آن کم شده و سود هم به تبع آن کم خواهد شد، ولی اگر از سود برداشته شود، از سهم هر دو طرف کسر خواهد شد و هریک به نسبت قراردادی که برای برداشت سود دارند، از سهم‌شان کم می‌گردد و هزینه‌ها میان مالک و عامل توزیع می‌شود و فقط در صورت عدم حصول سود، پرداخت نفقه از محل اصل سرمایه جایز است (شهیدثانی، ۱۴۱۰: ۲۱۵/۴؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۳۰۱/۱۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۱۰/۲۱). زیرا هنگامی در عقد مضاربه با تجارت عامل، حصول ربح صدق می‌کند که مالک علاوه بر دریافت تمام سرمایه‌اش، مقداری نیز اضافه به دست آورد و این در صورتی محقق می‌شود که ابتدا تمام مخارج و هزینه‌ها که یکی از موارد آن هزینه‌های سفر است، حساب و استثناء شود و سپس باقی مانده بالنسبه تقسیم گردد (زنجانی، ۱۳۹۸: ۵۹).

۳-۶. ادله‌ی لزوم پرداخت نفقه از محل سرمایه با عدم حصول سود

در این بخش نیز فقها برای دیدگاه خویش دلایلی ذکر کرده‌اند که مورد بررسی قرار گرفته و به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۳-۶-۱. نفقه، مقدمه کسب سود

پرداخت نفقه، مقدمه‌ای است جهت انجام معامله و به دست آوردن سود؛ چراکه بدون انجام سفر و مصرف نفقه در راه سفر، مضاربه‌ای صورت نمی‌گیرد و به تبع آن سودی هم حاصل نمی‌شود. پس چگونه می‌توان گفت پرداخت نفقه به مضارب متوقف بر حصول سود است و در صورت عدم سود نفقه‌ای به او داده نخواهد شد، درحالی‌که مضارب باید هزینه کند تا به سفر تجاری برود و بتواند معامله انجام داده و سودی هم به دست آورد و تنها بعد از کسب سود است که کمبود سرمایه از سود حاصل شده جبران می‌گردد و سود، حافظ نقص سرمایه است، زیرا بناء مضاربه نیز بر حفظ رأس‌المال می‌باشد و هنگام کسب سود با آن جبران می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۷۳/۱۹؛ فیض‌کاشانی، بی‌تا: ۹۲/۳).

۳-۶-۲. اطلاق نصوص و فتاوی

برخی نیز بر این باورند که مقتضای اطلاق نص و فتاوی بر این است که برای پرداخت نفقه، حصول سود شرط نیست و اگر سودی حاصل نشود، نفقه از اصل مال پرداخت می‌گردد، ولی

در صورت به دست آمدن ربح، هزینه‌های سفر عمل تجاری از آن تأمین می‌گردد (میرزای قمی، ۱۴۱۳: ۳/۳۱۸).

۳-۶-۳. اصل اولیه

در ابتدای امر تجارت، اصل بر عدم توقف استحقاق نفقه بر ظهور ربح است و براساس آن از زمانی که سفر تجاری عامل آغاز می‌شود، می‌تواند هزینه‌های سفر را از سرمایه‌ای که در اختیار دارد تأمین کند، ولی در صورت حصول سود، هزینه سفر مضارب از آن جبران می‌گردد و بعد از برداشت هزینه سفر اگر سودی باقی بماند، هریک از مالک و مضارب به نسبت حصه و سهم خود از آن بهره‌مند می‌شوند و اگر سودی نماند که چیزی تقسیم نمی‌گردد و چنانچه ضرر و زیانی رخ دهد، از سرمایه مالک برداشته می‌شود و چیزی از عامل گرفته نمی‌گردد، زیرا عامل نیز وقتش در این سفر صرف شده است (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۹/۲۷۳).

۳-۶-۴. ارتکاز عرفی

به اذعان برخی، هر چند پرداخت نفقه مشروط به ظهور سود نیست و سیره قطعیه عقلاً عالم بر این است که مضارب نیازهای متعارف خویش را حتی در صورت عدم حصول سود از رأس المال بردارد، ولی همین سیره قطعیه و ارتکاز عرفی، عقلاً اقتضای آن را دارد که در صورت حصول سود از معامله تجاری، آنچه از سرمایه بابت نفقه سفر مضارب هزینه شده از محل سود، جبران شود (خویی، ۱۴۱۸: ۳۱/۵۵).

۳-۶-۵. انصراف نقص به سود

نفقه سفر، جزء از بین رفته و هلاک شده از سرمایه است و در واقع آنچه برای مخارج فرد مضارب هزینه می‌شود، از دست می‌رود و بابت آن چیزی به دست نمی‌آید، به همین جهت اصل بر این است که هر نقصی در مال به وجود آید، به وسیله‌ی سود جبران گردد و سود به عنوان منبعی برای جبران کمبود و کسری سرمایه به حساب می‌آید (اردبیلی، ۱۴۲۱: ۱۳۴).

۳-۶-۶. روایت

دلیل دیگری که برای این دیدگاه مطرح کرده‌اند؛ استناد به روایت امام موسی کاظم (ع) و کلمه «جمیع المال» در آن است که به معنی اصل سرمایه در نظر گرفته و پرداخت نفقه از اصل سرمایه را صحیح پنداشته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۰/۱۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۱/۲۱۰؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۱۱۱/۸) و معتقدند که نفقه مضارب از اصل سرمایه پرداخت می‌شود و چنانچه سودی به دست آید، از سود جبران خواهد شد و اگر سودی حاصل نشود، پرداخت نفقه از اصل سرمایه را صحیح و مشهور پنداشته‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۰/۲۴۶-۲۴۷). بنابراین تمام هزینه‌ها از اصل سرمایه

برداشت می‌شود و اختصاص نفقه به عامل مشروط به حصول و عدم حصول سود نیست، ولی در صورت کسب سود، از آن جبران می‌گردد.

۳-۶-۷. اجماع

در برخی موارد هم دلیل پرداخت نفقه از اصل سرمایه از دیدگاه فقها، اجماع فرقه و اخبار آنها ذکر شده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۴۶۲/۳). اما تحقق چنین اجماعی با وجود این اختلاف آراء مشهود، قابل پذیرش نیست.

تحقیق مطلب، با توجه به ادله و استدلال‌های هر دو دیدگاه پیشین، تأیید قولی است که معتقد به پرداخت نفقه مضارب از محل سود تجارت می‌باشد، ولی تا زمانی که سودی حاصل نشده، اجازه استفاده از اصل سرمایه را به مضارب می‌دهد و در صورت حصول سود، جبران آن از سود را جایز می‌داند. این قول، منطقی‌تر است، زیرا در صورت سود نکردن، هر دو طرف ضرر می‌کنند و خسارت می‌بینند و تنها به یکی از طرفین ضرر وارد نمی‌شود؛ مالک مالش کسر می‌گردد و عامل وقتش تلف می‌شود و بدین ترتیب، به هر دو ضرر وارد می‌گردد. افزون بر این، انصاف و عدالت معاوضی نیز در همین قول رعایت می‌شود که اگر سودی به دست نیاید، مالک، رأس المالش کم می‌گردد و عامل هم فقط پول هتل، رفت‌وآمد و خورد و خوراکش را دریافت کرده و درآمدی در این راه نصیبش نشده و در عین حال وقتش نیز تلف گردیده است.

نتیجه‌گیری

در خصوص لزوم و عدم لزوم تأمین هزینه‌های سفر تجاری مضارب، دیدگاه‌های مختلفی از جانب فقیهان امامیه ارائه شده است که بنابر نظر غالب فقها از جمله آیت‌الله خامنه‌ای و به‌عنوان دیدگاه برگزیده تحقیق حاضر، مقتضای اطلاق عقد مضاربه آن است که اگر در آن شرطی دال بر عدم تعهد صاحب مال نسبت به هزینه‌های صرف شده در راستای تجارت مأذون مضارب، نیامده باشد؛ دلالت بر رضایت مالک به وجوب تأمین هزینه‌های سفر دارد و عمومیتی که در کلمه «ما» در «ما انفق» در روایت علی بن جعفر از امام موسی کاظم (ع) وجود دارد و دلالت بر شمول تمام مخارج می‌کند و همچنین در حکم اجیر بودن عامل برای مالک؛ ایجاب می‌کند که کلیه هزینه‌های عامل در سفر مأذون در حد متعارف برعهده صاحب مال باشد. اگر چنانچه سودی از معامله کسب شود، هرچه از سرمایه برداشت شده و موجب نقص در اصل مال شده، از سود حاصل گردیده جبران و جایگزین خواهد شد، اما اگر ربحی به دست نیاید از سرمایه تأمین خواهد شد. دلیل برگزیدن این نظریه نیز اطلاق نصوص، ارتکاز عرفی، مقدمه بودن نفقه جهت کسب سود و وجود صحیحه در این خصوص است و انصاف نیز در رعایت این دیدگاه می‌باشد که هر دو طرف در صورت عدم سود،

زیان برابری می‌کنند، طوری که عامل وقتش به هدر رفته و مالک مالش از بین رفته است. هنگام سود نیز نفقه از سهم هر دو کسر می‌گردد تا سهم سود طرفین به نسبت قراردادی که نسبت به تقسیم سود به دست آمده، گذاشته‌اند به صورت مساوی کم شود.



منابع

۱. اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۱). فقه المضاربه. قم: دانشگاه مفید.
۲. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة. قم: انتشارات اسلامی.
۳. حائری، سیدعلی (بی تا). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۴. حرّعاملی، محمد (۱۴۰۹). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۵. حکیم، سیدمحسن (۱۴۱۶). مستمسک العروة الوثقی. قم: دارالتفسیر.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵). رساله‌ی آموزشی (۲): احکام معاملات (مطابق با فتاوی‌ای مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)). تهران: فقه روز وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۱۴). درر الفوائد فی أجوبه القائد. تهران: ستاره.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). ره‌توشه قضائی: استفتائات قضایی از محضر مرجع عالیقدر عالم تشیع حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب. قم: مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه. نشر قضا.
۹. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸). موسوعة الامام الخوئی. قم: إحياء آثار الخوئی.
۱۰. سبحانی، جعفر (۱۴۱۴). نظام المضاربه. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۱. سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳). مهذب الاحکام. قم: مؤسسه المنار.
۱۲. سیوری، مقداد (۱۴۰۴). التنقیح الرائع. قم: کتابخانه مرعشی.
۱۳. شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۳۹۸). درس خارج فقه (کتاب مضاربه). جلسات ۵۸ و ۵۹. مورخه ۹۸/۱۲/۲۰.
۱۴. شیخ طوسی، محمد (۱۴۰۷). الخلاف. قم: انتشارات اسلامی.
۱۵. شیخ طوسی، محمد (۱۳۸۷). المبسوط فی الفقه الامامیه. تهران: المكتبة المرتضوية.
۱۶. شهیدثانی، زین‌الدین (۱۴۱۰). الروضة البهية. قم: داوری.
۱۷. شهیدثانی، زین‌الدین (۱۴۱۳). مسالك الأفهام. قم: المعارف الإسلامية.
۱۸. عاملی، سیدجواد (۱۴۱۹). مفتاح الكرامة. قم: انتشارات اسلامی.
۱۹. علامه حلی، حسن (۱۴۱۴). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۲۰. فاضل‌آبی، حسن (۱۴۱۷). كشف الرموز. قم: انتشارات اسلامی.
۲۱. فخرالمحققین، محمد (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد. قم: اسماعیلیان.
۲۲. فیض کاشانی، محمدحسین (بی تا). مفاتیح الشرایع. قم: کتابخانه مرعشی.
۲۳. کاشف الغطاء، حسن (۱۴۲۲). انوار الفقاهة- کتاب المضاربه. نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۲۴. محقق کرکی، علی (۱۴۱۴). جامع المقاصد. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۲۵. مقدس اردبیلی، احمد (۱۴۰۳). مجمع الفائدة و البرهان. قم: انتشارات اسلامی.
۲۶. موسوی خمینی (امام)، سیدروح‌الله (۱۴۲۲). العروة الوثقی مع تعالیق الامام الخمینی. تهران: تنظیم و نشر آثار امام (ره).
۲۷. موسوی خمینی (امام)، سیدروح‌الله (بی تا). تحریر الوسیلة. قم: دارالعلم.
۲۸. موسوی گلپایگانی، سیدمحمد رضا (۱۴۱۳). هداية العباد. قم: دارالقرآن‌الکریم.

۲۹. میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۳). جامع الشتات. تهران: کیهان.
۳۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام، بیروت: إحياء التراث العربی.
۳۱. یزدی طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۴۲۸). العروة الوثقی مع التعليقات. قم: مدرسه امام علی (ع).

